

سفری به خاکسای

پژوهشی پیرامون حج و عمره بر اساس آیات و روایات

جلد اول

دکتر سید محمد بنی هاشمی

به قلم: سعید مقدّس

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدیدآور: سفری به خاکساری: پژوهشی پیرامون حج و عمره
 بر اساس آیات و روایات / سید محمد بنی هاشمی، به قلم: سعید مقدّس.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری: ۲ جلد، ۲۷۲ ص و ۲۵۶ ص.
 شابک جلد ۱: ۸-۱۷۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
 شابک دوره: ۲-۱۴۵-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: حج، حج عمره.
 شناسه افزوده: مقدّس، سعید، ۱۳۵۶.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۷ س ۸۶ ب ۸ / ۱۸۸ BP
 رده بندی دیویی: ۳۵۷ / ۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۸۲۹۶

شابک ۸-۱۷۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-172-8

سفری به خاکساری - جلد اول

دکتر سید محمد بنی هاشمی
 به قلم: سعید مقدّس
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۸۸
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
 حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
 چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸ ۳۶ (خط ۶)
 فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۶۴۸۰۱ ۳۳۵ ۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۴) (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>
 پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر نیک معارف، ۰۱۰۶۶۹۵ * نشر آفاق، ۰۳۵۲۲۸۴۷ * نمایشگاه کتاب اعراف، ۰۸۵۲۹۲۲۲
 نشر رایحه، ۰۸۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۰۴۹۶۳۳۹۳۰

دوره ی دو جلدی ۶۵۰۰ تومان







تقدیم بہ:

ہویت و روح حج

حضرت سید الشہد اکبر علیہ السلام

از جانب غواص اقیانوس احادیث اہل بیت علیہم السلام

مرحوم علامہ محمد باقر مجلسی اعلی اللہ تعالیٰ شریف



فهرست مطالب

۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	دل‌نوشته‌ای روبروی در کعبه برای صاحب کعبه

بخش اول: شناخت مدینه ی منوره

۲۱	فصل اول: مدینه ی رسول و اهل بیت علیهم‌السلام
۲۱	فضیلت مدینه
۲۵	فضیلت مرگ در مدینه ی منوره
۲۸	فضیلت زیارت رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۳۰	ثواب هجرت به‌سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۳۱	ثواب حج مقبول با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۳۱	شفاعت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خلاصی از گناهان
۳۶	زیارت خداوند متعال بر فراز عرش
۴۳	فضیلت مسجد النبی
۴۳	نماز در مسجد نبوی



۴۴	روضه‌ی نبوی
۴۶	مختصری از اعمال مدینه‌ی منوره و مسجد النبی
۵۲	مقام جبرئیل و خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام
۵۲	دعا در مقام جبرئیل
۵۴	خانه‌ی حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام
۵۵	فضیلت زیارت حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام
۶۲	زیارت امام علیه السلام : مایه‌ی کمال حج
۶۹	زیارت ائمه‌ی بقیع علیهم السلام
۷۵	مختصری از تاریخ بقیع
۷۹	فصل دوم: مساجد و آثار برگزیده‌ی مدینه
۸۱	مسجد قبا
۸۲	مشربه‌ی ام ابراهیم
۸۴	مسجد فضیخ
۸۵	قبر جناب حمزه‌ی سیدالشهدا و شهدای اُحد
۸۸	مسجد «حِزّه»، مسجد «فُسُح»، مسجد «احزاب»
۹۱	فصل سوم: وداع با مدینه
۹۱	وداع با مدینه

□ بخش دوم: معرفت به حج و عمره

۹۷	فصل اول: معرفت به فضایل حج و عمره
۹۹	آثار دنیوی حج و عمره
۹۹	رفع فقر و فراوانی روزی
۱۰۱	سلامت بدن، استغنا از دیگران و شایستگی ایمان
۱۰۲	فواید و ثواب‌های اخروی
۱۰۹	آبشار رحمت و بهره‌های متفاوت
۱۱۶	حج و عمره‌ی تمتع: وظیفه‌ای الهی
۱۱۷	نیکویی صرف مال در حج و برتری حج بر صدقه

۱۱۹	برتر از دهها حج
۱۲۵	برتری زیارت مشاهد مشرفه‌ی ائمه‌السلام بر حج و عمره
۱۲۸	اهمیت «قبولی عبادات و خصوصاً حج»
۱۳۰	برتری زیارت سیدالشهدا علیه السلام بر حج
۱۳۳	فصل دوم: دعا برای تشرف به حج تمتع
۱۳۳	دعای نامقید به وقت خاص
۱۳۸	دعا برای حج در ماه رمضان
۱۴۴	شرط اثربخشی دعا: نبود مانع استجاب
۱۴۷	فصل سوم: معرفت به مکه: دیار حج و عمره
۱۴۷	شرافت مکه‌ی مکرمه
۱۴۸	تفسیر حقیقت بلد امین و راه رسیدن به آن
۱۵۰	دعای ابراهیم علیه السلام برای اهل بیت:
۱۵۴	همه چیز مکه: محبوب خدا
۱۵۶	جایگاه والای کعبه‌ی معظم
۱۶۰	کعبه در «بکه»
۱۶۳	راهکار ایجاد تذلل: پیاده رفتن به زیارت بیت الله
۱۷۱	ثواب پیاده رفتن به زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام
۱۷۴	کربلا، برتر از کعبه و مکه
۱۸۳	سرزمین کربلا: خطاهای از بهشت و وطن بهشتیان
۱۸۷	شایستگی توجه به «روح هویت حج»
۱۹۰	حجر الاسود
۱۹۰	حجرالاسود: امانتدار عهد الهی
۱۹۲	مفاد عهدی که سپرده‌ایم: توحید، نبوت، ولایت
۱۹۵	حجر الاسود و شهادت در قیامت
۲۰۱	پیشینه و حقیقت حجر الاسود
۲۰۲	چرایی امین قرار گرفتن حجرالاسود از سوی خداوند متعال

۲۰۴	علت سیاه شدن حجرالاسود
۲۰۶	پیشینه‌ی نصب حجرالاسود
۲۱۰	حجرالاسود و امام عصر (ع)
۲۱۵	حطیم
۲۱۵	حدّ حطیم
۲۱۶	وجه تسمیه‌ی حطیم
۲۱۷	فضیلت حطیم
۲۱۹	نماز در حطیم
۲۲۱	ثواب‌های عظیم نماز در حطیم، منوط به پذیرش ولایت اهل بیت (ع)
۲۲۳	حطیم؛ محلّ بیعت یاران امام عصر (ع) با ایشان
۲۲۶	باب کعبه‌ی معظم
۲۲۷	مقام ابراهیم
۲۲۹	حجر اسماعیل
۲۳۱	نماز در حجر و دعا زیر ناودان بیت الله
۲۳۴	دعا برای امام عصر (ع) در حجر اسماعیل
۲۳۸	مستجار (ملتزم)
۲۳۸	توبه در مستجار
۲۴۳	الصاق و التزام به مستجار
۲۴۶	مستجار و ملتزم
۲۵۰	اقرار به گناه و چسبیدن به کعبه در ملتزم (مستجار)
۲۵۴	حال توبه‌ی امام معصوم (ع) و عبرت گناهکاران
۲۵۶	دعا برای امام عصر (ع) در مستجار
۲۵۷	رکن یمانی
۲۵۹	استلام رکن یمانی و التزام به آن
۲۶۲	دعا در رکن یمانی
۲۶۳	دعا برای امام عصر (ع) در رکن یمانی
۲۶۶	ارزش دعا حتی در فرض برآورده نشدن حاجت

خدا کند که نقاب از رخ تو باز شود
به اقتدای تو صدها صف نماز شود
خدا کند که دگر با سفر تو قهر کنی
و روزهای خوش ماندنت دراز شود
خدا کند که شرار تبسم گرم
برای صاعقه‌ی توبه‌ام جواز شود
خدا نیاورد آن روز راکه دستانم
ز دستگیری مهر تو بی نیاز شود
خدا نیاورد آن روز راکه قد کمان
نصیب قامت رعنا‌ی سرو ناز شود
خدا نیاورد آن روز راکه غفلت سرد
به روی سینه‌ی ما داغ جان‌گداز شود
دگر دلی نستانند ره‌زنان خیال
چو دست دلبری تو وسیله ساز شود





پیش‌گفتار

چهار سال پیش (تابستان ۱۳۸۴) بعضی از دوستانی که عازم مدینه منوره و مکه مکرمه بودند، از بنده خواستند تا در خصوص این سفر معنوی تذکراتی را به عرضشان برسانم. آن هنگام تصور نمی‌کردم که این قرار، مقدمه‌ی تألیف کتابی پیرامون حج و عمره باشد. گمان ما این بود که با وجود کتابهای نسبتاً مفصّلی که در این زمینه وجود دارد، نیازی به ارائه‌ی اثری جدید نیست.

پس از اتمام مباحث و مراجعه به بیشتر کتابهایی که در این موضوع نگاشته شده، تصمیم به تدوین و انتشار مطالب گرفتیم. بنای ما در سراسر کتاب بر این بوده که اگر حقّ بیان مطلبی در کتابهای موجود ادا شده است، به آن نپردازیم. البته برای حفظ سیر منطقی و رعایت کامل بودن مباحث، به بسیاری از آنها در حدّ اشاره پرداخته و وارد بیان تفصیلی آن نشده‌ایم. با این ترتیب برخی مطالب با تفصیل و برخی دیگر با کمال اختصار و با ارجاع به کتب دیگر بیان شده‌اند. همچنین توضیح

احکام شرعی عمره و حج را به کتابهای مناسک مراجع معظم تقلید واگذار نموده‌ایم.

رویکرد کلی ما در سراسر کتاب، دو محور اساسی بوده که هر کدام از جهتی روح حج را تشکیل می‌دهند:

اول: داشتن حال تواضع و دوری از کبر و خود بزرگ بینی است که حضرت باقرالعلوم علیه السلام از آن به حالت «سکینه» تعبیر فرموده‌اند:

مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ بِسَكِينَةٍ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ وَ هُوَ أَنْ يَدْخُلَهَا غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ
وَلَا مُتَجَبِّرٍ.^۱

هر که با «سکینه» داخل مکه شود گناهش بخشوده می‌گردد و آن (سکینه) این است که بدون تکبر و خود بزرگ بینی داخل آن شود. فلسفه‌ی همه عبادات، به خصوص حج بیت الله الحرام، این است که انسان به «بنده بودن» خود در پیشگاه الهی اقرار و اعتراف نماید. لازمه‌ی این حال، خارج شدن از روحیه‌ی شیطانی «استکبار» است که متأسفانه بسیاری از انسانها را گرفتار نموده است. احرام بستن و انجام مناسک عمره و حج، بستر بسیار مناسبی برای تزکیه‌ی درون و بیرون از این رذیلت نفسانی و حقیقتاً «سفری به خاکساری» است.

روح دیگر حج که سعی کرده‌ایم در قدم به قدم انجام مناسک به آن تذکر دهیم، توجه به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که حج خود را در سال ۶۱ هجری قمری ناتمام گذاشتند و سفر به طف کربلا را بر احرام حج و وقوف در منی و عرفات ترجیح دادند.

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۲. مضمون این حدیث در «من لا یحضره الفقیه» ج ۲، ص ۲۰۶ نقل شده است.

شباهت‌های زیادی میان «زائر حرم حسینی (علیه السلام)» با «عمره و حج‌گزار» وجود دارد که به بسیاری از آنها در ضمن بیان اعمال حج اشاره کرده‌ایم. یکی از آنها رعایت حال «سکینه» در حال نزدیک شدن به حائر حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) است که فرمود:

فَتَوَجَّهْ نَحْوَ الْحَائِرِ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَقَصِّرْ خُطَاكَ
فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَكْتُبُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَعُمْرَةً.^۱

پس به‌سوی حائر [حسینی] رو کن و بر تو باد رعایت سکینه و وقار. و قدمه‌ایت را کوتاه بردار که خدای متعال به هر گامی [برایت] حج و عمره‌ای می‌نگارد.

سرّ عجیبی در مقایسه‌ی فضیلت حج و عمره با زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نهفته است که در این مجال فرصت شرح و بسط آن نیست.

علاوه بر این دو محور، احیای یاد غریب دوران و مظلوم زمان، حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه در جای جای اعمال مکّه و مدینه مدّ نظر بوده و کوشیده‌ایم به هر بهانه‌ای تعجیل فرج آن بزرگوار از خدای مَنّان مسألت گردد.

لازم به تذکر است که بحث درباره‌ی مدینه منوره که بخش اوّل کتاب را تشکیل داده به دلیل وجود کتاب «در ضیافت ضریح» و خلاصه‌ی آن «راه و رسم پای بوسی» که در باب زیارت اهل بیت (علیهم السلام) نگاشته شده‌اند، نسبت به سایر مباحث کوتاه‌تر و خلاصه‌تر آمده است.

کتاب حاضر با این ویژگی تدوین گردید و زحمت تحریر آن را جناب آقای سعید مقدّس، خالصانه و متواضعانه، بر عهده گرفت. از این چهار سال گذشته، حداقل دو سال آن صرف تنظیم، نوشتن و بازنگری های متعدد شده است که آخرین آنها اکنون در مدینه منوره و مکه مکرمه در حال انجام می باشد.

این تلاش ناچیز را در این سرزمین مقدس، به روح کعبه و مایه ی حیات حج، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، تقدیم می داریم به این امید که با امضای آن بزرگوار مورد پذیرش خدای مَنان قرار گیرد و شمع روشنگر برای راهیان سرزمین وحی و زائران شش گوهر معصوم (علیهم السلام) باشد. ان شاء الله

سید محمد بنی هاشمی - مکه مکرمه

سوم شعبان المعظم ۱۴۳۰ قمری، ۲ مرداد ۱۳۸۸

برابر باب کعبه برای باب الله

روز پنجشنبه اول شعبان المعظم ۱۴۳۰ هجری قمری است. به فضل الهی و عنایت ویژه صاحب بیت الله الحرام، روبروی در خانه‌ی کعبه ایستاده‌ام. مقام حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء را می‌بینم که گویی میان رکن حجرالاسود و باب کعبه (حطیم) ایستاده است. جبرئیل امین با ندای «البيعة لله»، منتظران ظهور را به بیعت با او - این خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین - دعوت می‌نماید.

در این لحظات نورانی باگشوده شدن باب کعبه، ابواب رحمت الهی هم باز شده است، طنین دعا‌های دوستان آن امام غریب برای تعجیل فرج ایشان، از جای جای بیت الله الحرام به گوش می‌رسد.

خداوندا! در این دقایق ارزشمند و شریف، تو را به حق مولود خانه‌ات و همسر پهلوشکسته‌اش قسم می‌دهم که این دوران طولانی و پر محنت غیبت را به فضل و کرم‌ت پایان دهی؛ دورانی که سپری شدن هر روز و بلکه هر لحظه‌اش بر امام مظلوممان چون یک قرن، سنگینی

می‌کند. از تو می‌طلبیم بر ما مَنّت بگذاری تا آرزوی دیدار و ظهور آن عزیز را به گور نبریم.

پروردگارا! ما اعتراف می‌کنیم که حقّ آن بزرگوار را به شایستگی ادا نکرده‌ایم و به همین جهت خود را مستحقّ نزول هر بلایی می‌دانیم. اَمّا اولیای توبه ما آموخته‌اند که به فضیلت امید بندیم و از جود و کرمّت ناامید نباشیم. خود را به هیچ وجه لایق درک زمان ظهور مولای غریبمان نمی‌دانیم. شایستگی یاری کردن آن سرور را نیز در خود نمی‌بینیم. اَمّا از لطف و کرم صاحبمان دور نمی‌دانیم، در لحظاتی که درهای رحمت الهی باز است، تقصیرات ما را در ادای حقوق خود بزرگوارانه ببخشاید. از او تمَنّا داریم که توبه‌ی ما را همچون حَرّین یزید ریاحی بپذیرد و تنها آرزویمان را برآورده سازد؛ آرزویی که جز نصرت و خدمت به آستان مقدّسش در زمان غیبت و ظهور نیست.

مولای من! در حال حاضر روی کره‌ی خاکِی آبرومندتر از شما بزرگوار، که بقیه الله هستید، سراغ نداریم. شما را به وجاهت جدّتان حبیب خدا رسول مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در همین ساعت دو رکعت نماز پیش از ظهورتان را اقامه کنید. دستان پاکتان را به پرده‌ی کعبه بیاویزید. از سراضطرار از ربّ البیت، اذن قیامتان را مسألّت فرمایید. ما نیز به دعايتان آمین می‌گوییم.

بخش ۱

شناخت دینیهی منوره



فصل ۱

مدینه‌ی رسول و اهل بیت علیهم السلام

فضلیت مدینه

مدینه‌ی منوره یکی از شهرهای برگزیده‌ی پروردگار^۱ می‌باشد. این دیار معظم به عنوان «حرم» خداوند، رسول مکرم اسلام ﷺ و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب لقب گرفته است:

الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الصَّلَاةُ
فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ.^۲
مدینه حرم خدا و حرم رسولش و حرم علی بن ابی طالب علیهما السلام
می‌باشد، یک نماز در آن [ثوابی] به [ازای] ده هزار نماز
[داراست] و یک درهم [خرج کردن] در آن به [اندازه‌ی] ده هزار
درهم [می‌ارزد].

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۶.

«حرم» هر کسی جایگاهی است که مورد حمایت^۱ و توجّه خاصّ اوست. کسی که به مدینه‌ی منوره قدم می‌گذارد در حصار حمایت و عنایت خدا و رسول ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ قرار می‌گیرد. دو مصداق مهم این عنایت الهی، مصطفوی و علوی در این روایت شریف بیان شده است: یکی آنکه نماز گزار مدینه می‌تواند ده هزار برابر ثواب نماز در جاهای معمولی را دریافت کند. دیگر آنکه خرج نمودن در این شهر پر برکت، ده هزار برابر برکات معنوی را در پی دارد. به گونه‌ای که مثلاً ثواب یک درهم صدقه یا انفاق می‌تواند در ضریب ده هزار ضرب گردد.

این شهر مشرفّ شاید به خاطر انتسابش به رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ بسیار مورد توجّه و عنایت اهل بیت ﷺ بوده است. آن بزرگواران به مدینه‌ی منوره و اقامت در آن اشتیاق خاصی داشته‌اند. به عنوان نمونه به روایت ذیل بنگرید: راوی به حضور امام موسی بن جعفر ﷺ می‌رسد و عرضه می‌دارد: «کدامیک با فضیلت‌تر است اقامت در مکه یا مدینه؟» حضرت می‌فرماید: «تو چه می‌گویی؟» عرضه می‌دارد: «گفتار من با وجود فرمایش شما چه ارزش دارد؟» حضرت می‌فرماید: «گفتار تو، به گفته‌ی من باز می‌گردد». اینجاست که عرض می‌کند: «اما من گمان می‌کنم که اقامت در مدینه برتر از اقامت در مکه است.» حضرت پاسخ می‌دهند: «آنچه گفتی را امام صادق ﷺ در روز [عید] فطری فرمودند. نزد قبر پیامبر اکرم ﷺ

۱. «حرم» الزجل و «حریمه»: ما یقاتل عنه و یحمیه (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۲۵).

آمدند، در مسجد بر ایشان سلام دادند و سپس فرمودند:

قَدْ فَضَّلْنَا النَّاسَ الْيَوْمَ بِسَلَامِنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ^۱.

امروز به واسطه ی سلاممان بر رسول خدا بر مردم برتری یافته ایم.

اهل بیت علیهم السلام مؤمنان را از اقامت در مکه ی معظمه نهی فرموده اند. حتّی ماندن در این شهر را مایه ی قساوت قلب دانسته اند. ^۲ این در حالی است که ماندن و مقیم شدن در مدینه مورد امضاء معصومین علیهم السلام قرار گرفته است. فقها و محدّثان بنام شیعه نیز با توجّه به روایاتی از این دست، ابوابی از کتابهای خود را به بیان فضیلت و استحباب اقامت در مدینه ی منوّره اختصاص داده اند. ^۳

به عنوان نمونه ای از علقه و پیوستگی اهل بیت علیهم السلام به مدینه ی منوّره می توان به عبارات حضرت سیدالشهدا علیه السلام در یکی از منازل راه تا کربلا اشاره نمود. وقتی در یکی از این منازل، خبر شهادت جناب «قیس بن مسهر صیداوی» را به آن بزرگوار رساندند، امام علیه السلام پس از اظهار وفاداری دو تن از اصحاب، فرزندان و برادران و اهل بیت خویش را جمع نمودند. به آنها نگریستند و مدّتی گریستند. آن گاه به درگاه پروردگار چنین عرضه داشتند:

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۴۶. توضیح این روایات را در جلد دوم این مکتوب ذیل عنوان «آداب مکه ی مکرمه» بنگرید.

۳. مرحوم شیخ کلینی بابی تحت عنوان «باب فضل المقام بالمدينة...» در کتاب الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷ و مرحوم شیخ حرّ عاملی بابی تحت عنوان «باب استحباب الإقامة فی المدينة...» در وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۴۷ گشوده اند.

اللَّهُمَّ إِنَّا عَتَرُكَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٍ وَقَدْ أَخْرَجْنَا وَطَرَدْنَا وَأَزْعَجْنَا
عَنْ حَرَمِ جَدَّنَا وَتَعَدَّتْ بَنُو أُمَيَّةَ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ فَخُذْ لَنَا بِحَقِّنَا وَ
انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.^۱

خدایا! ما خاندان پیامبر تو، محمد ﷺ، هستیم و از حرم جدمان
اخراج شده‌ایم و طرد گشته‌ایم و ناراحتی دیده‌ایم و بنی‌امیه بر ما
تجاوز نموده‌اند. خدایا! پس حق ما را [از آنان] بستان و ما را بر
گروه ستمگران یاری ده.

در این عبارات، امام حسین علیه السلام به عنوان شکوه به درگاه خداوند، از
طرد خویش و خانواده‌ی رسول خدا ﷺ از حرم نیای بزرگوارشان
سخن گفته‌اند. این خود عمق دلبستگی آن حضرت به مدینه‌ی منوره را
هویدا می‌سازد. نیز انگیزه‌ی این دلدادگی را نمایان می‌کند که همانا
«حرم» بودن مدینه برای رسول گرامی اسلام ﷺ است. به علاوه
حضرتش از خداوند متعال خواسته‌اند حقشان را از اهل دشمنی و
تجاوز باز پس بگیرد. این دعای سیدالشهدا علیه السلام با ظهور فرزندشان تحقق
می‌پذیرد؛ همان فرزندی که چون پدر، دل در گرو مدینه دارد. چنانکه
از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ
وَنِعَمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةً.^۲

برای صاحب این امر گریزی از غیبت نیست و برای او در
پنهانی‌اش گریزی از عزلت گزیدن نیست و مدینه [برای وی] چه
نیکو منزلی [و مأوایی] است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳، به نقل از شیخ مفید.

۲. الکافی، کتاب الحجّه، باب فی الغیبه، ح ۱۶.

مدینه برای امام عصر علیه السلام منزلی مناسب و جایگاهی نیکو است. اما دریغ که آن غربت زده به وصیت پدر باید راهی کوه‌ها و بیابانها باشد. باید در دورترین و نهان‌ترین جایگاه‌های کوهی زمین سکنی گزیند.^۱ بدان خاطر که خداوند نمی‌پسندد وطن مألوف خود را کاشانه‌ی خویش قرار دهد.^۲ همین «عزلت» یکی از تجلیات غربت آن حضرت رارق می‌زند و هر دل آگاهی را داغ می‌نهد.^۳

فضیلت مرگ در مدینه‌ی منوره

یکی دیگر از جلوه‌های فضیلت و عظمت مدینه‌ی منوره - و نیز مکه‌ی مکرمه - در ثوابهای بزرگی است که به مردگان در این دو شهر اعطا می‌شود. درباره‌ی این ثواب از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

۱. چنانکه آن حضرت فرموده‌اند: «إِنَّ أَبِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُوطِنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَ أَقْصَاهَا إِسْرَاراً لِأُمْرِي وَ تَحْصِيناً مِنْ مَكَائِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَ الْمَرَدَةِ» پدرم با من پیمان بست که جز از پنهان‌ترین و دورترین [جایگاه‌های] زمین وطنی نگزینم؛ به‌خاطر پنهان داشتن امرم و نگاهداری [و حفاظت] جانم از نیرنگ‌های اهل گمراهی و سرکشان. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴ و ۳۵ به نقل از اکمال الدین).

۲. توجه شود که این مسأله منافات با روایاتی ندارد که حضور امام عصر علیه السلام در میان مؤمنان و حشر و نشر آنان با ایشان - بدون شناسایی شدن آن حضرت - را نوید داده‌اند. (به‌عنوان نمونه: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، به نقل از غیبت نعمانی) روایت نقل شده در متن می‌تواند به این معنا باشد که آن حضرت از قرار دادن منزل دائمی و سرای مشخصی در مدینه‌ی منوره نهی شده‌اند. نمی‌توانند همانند بیشتر پدران بزرگوارشان خانه و منزل معین در این شهر داشته باشند. ولی در عین حال می‌توانیم بگوییم آن بزرگوار در شهر مدینه هم رفت و آمد دارند.

۳. توضیحات تفصیلی در این باره را بنگرید در کتاب غربت آفتاب (از مجموعه‌ی چهار جلدی کتاب آفتاب در غربت) فصل چهارم.

مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ أَوِ الْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ إِلَى
الْحِسَابِ وَ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ حُسِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ
أَصْحَابِ بَدْرٍ^۱

هرکس در یکی از دو حرم - مکه یا مدینه - بمیرد [اعمالش] به
[موقف] حساب عرضه نمی‌شود و در حال هجرت به‌سوی خدا از
دنیا رفته است و روز قیامت با اصحاب بدر محشور می‌گردد.

درباره‌ی این روایت توجّه به سه نکته خالی از لطف نیست:

(۱) موقف حساب یکی از مواقف بسیار دشوار قیامت است. انسان
باید آن‌جا در قبال هر نعمتی - جز آنچه در راه خداوند صرف نموده -
پاسخگو باشد^۲. اینگونه است که خداوند در چنین موقعی بر همگان
حجّت دارد: یا به‌خاطر نعمتی که شکر نگزارده‌اند و یا به‌خاطر
گناهایی که مرتکب شده‌اند^۳. این است که هرکس مخاطب حساب و
کتاب دقیق الهی قرار گیرد، همین حسابرسی برای او عذاب و سختی در
پی دارد^۴. اگر خداوند بخواهد در حسابرسی با کسی به «مناقشه» و
ریزینی پیردازد کار او بسیار دشوار خواهد بود. به تعبیر ساده‌تر اگر
خدا در محاسبه‌ی انسان موی را از ماست بکشد، شرایط سختی را
برایش بوجود آورده است. اگر خدا بخواهد به ازای هر نافرمانی
توبیخش کند همین حسابرسی، رنج و هلاکت دردآوری برای وی

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۸۷، به نقل از کامل الزیارات.

۲. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۱، ح ۱۰ به نقل از نوادر راوندی.

۳. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۲، ح ۱۳، به نقل از امالی طوسی.

۴. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۳، ح ۱۷ به نقل از معانی الاخبار، بیان مرحوم

مجلسی در ذیل این روایت نیز خواندنی است.

خواهد بود^۱. لذا اگر کسی را اساساً از این موقف گذر دهند لطف بزرگی به او شده است. اگر عمل وی را به حساب عرضه نکنند، موقعیت نفس‌گیری^۲ را پشت سرگذاشته و خلاصی عظیمی یافته است.

(۲) مرگ در حالی که فرد «مهاجر الی الله» (هجرت کننده به سوی خدا) باشد، بر اساس فرمایش خداوند متعال، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. در قرآن کریم درباره‌ی چنین کسی آمده است:

وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.^۳

و کسی که از خانه‌اش خارج شود در حالی که مهاجر به سوی خدا و رسول اوست، سپس [در این حال] مرگ او را دریابد، پاداشش بر عهده‌ی خداوند قرار گرفته و خداوند بسیار بخشناينده و مهربان است.

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۳ و ملحقات آن به علاوه‌ی ص ۲۶۶، احادیث ۲۵ تا ۲۹.

۲. امام صادق علیه السلام از حسابرسی دو مؤمن فقیر و غنی گزارش می‌فرماید: مؤمن فقیر به‌خاطر آنکه شأن و منزلتی و دارایی مازاد بر کفایتی در دنیا نداشته، به سرعت وارد بهشت می‌شود. ولی مؤمن غنی - که البته او هم در نهایت وارد بهشت می‌گردد - مورد محاسبه قرار می‌گیرد: «... دیگری (مؤمن غنی) باقی می‌ماند تا آنکه از او عرق سرازیر می‌شود آنگونه که اگر چهل شتر آن را بنوشند، کفایتشان می‌کند و سپس وارد بهشت می‌شود. پس [مؤمن] فقیر به او می‌گوید: «چه چیز تو را [از زود آمدن] باز داشت؟» او جواب می‌دهد: «حساب طولانی. دائماً چیزی پس از چیزی نزد من می‌آمد و بخشوده می‌شد سپس از چیز دیگری سؤال می‌شدم. تا آنکه خداوند عذوجل مرا به رحمت در برگرفت و مرا به توبه گزاران ملحق نمود...» (بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۹، به نقل از امالی صدوق).

۳. نساء / ۱۰۰.

خداوند متعال، خود، ضامن اجر چنین کسی شده است. پس از آن نیز با آوردن دو اسم غفور و رحیم برای خود، در واقع رحمت و مغفرت را برای مهاجر به سوی خود و رسولش نوید فرموده است. کسی که با نیت خداپسندانه به مکه یا مدینه مشرف می شود و در یکی از آنها می میرد، مصداق مهاجر به سوی خدا و رسول ﷺ است. لذا نصیب و بهره ی او برای ما قابل تصوّر و احصاء نیست، بلکه خداوند غفور و رحیم خود پاداش و اجر او را می پردازد.

۳) نکته ی پایانی اینکه نمی توان این بهره ها را در مورد «هرکس» به قول مطلق ثابت دانست. با توجّه به ادله ی فراوان، آنچه به عنوان بهره ی الهی در نظر گرفته می شود مربوط به اهل ایمان است. کسی که اقرار به ولایت امیر مؤمنان ندارد، اساساً اهلیت نظر لطف خداوند را دارا نیست.^۱ به این ترتیب این لطف الهی به منکران و مخالفان ولایت تعلق نمی گیرد و اعطای آن منحصر به مؤمنان است.

فضیلت زیارت رسول مکرم اسلام ﷺ

پس از تبیین فضیلت شهر منور مدینه نوبت به آن می رسد که بخشی از ثواب های با فضیلت ترین و مهمترین زیارت این شهر را از نظر بگذرانیم؛ برترین زیارت، از آن رو که رسول مکرم اسلام ﷺ بالاترین و شریف ترین مقام و رتبه را نسبت به سایر اهل بیت علیهم السلام

۱. به عنوان نمونه از پیامبر اکرم ﷺ روایت است که: «وَلَا أَشْتَهِلُ خُلُقٌ مِنْ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعَبْدِيَّةِ لَهُ وَ الْإِفْرَارُ لِعَلِيٍّ نَعْدِي» (کسی از خلائق، اهلیت نظر از خداوند به سوی خود را ندارد مگر به واسطه ی بندگی برای او (خداوند) و اقرار برای [ولایت] علی پس از من). (بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۹۵).

دارا هستند.^۱

۱. در روایتی از امام رضا علیه السلام وقتی راوی می پرسد: «کدامیک برترند؟ زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟» ایشان در ضمن پاسخ شریف می فرمایند: «... فضل زیارة قبر امیرالمؤمنین علی زیارة قبر الحسین کفضل امیرالمؤمنین علی الحسین» (برتری زیارت قبر امیرمؤمنان علیه السلام بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام همانند برتری امیرمؤمنان علیه السلام بر امام حسین علیه السلام است) «بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۶۱ به نقل از فرحة الغری». در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که: «إِعلم أن امیرالمؤمنین أفضل عندالله من الأئمة کلهم و له ثواب أعمالهم و علی قدر أعمالهم فُصلوا» (بدان که امیرمؤمنان نزد خدا برتر از همه ی امامان است و ثواب اعمال آنان، از آن اوست و آنان به اندازه ی اعمالشان برتری داده شده اند) «الکافی، ج ۴، ص ۵۷۹». با توجه به روایات متعدد دیگر در بیان برتری و فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر امیرمؤمنان علیه السلام شاید بتوان گفت زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز با توجه به مطالب بیان شده از زیارت امیرمؤمنان و سایر ائمه علیهم السلام افضل است. نکته ای که در این جا توجه به آن لازم است اینکه: این برتری و فضیلت کلی منافاتی با آن ندارد که در برخی فضایل یا از برخی جهات زیارت رسول خدا و سایر معصومین مانند هم و برابر با هم باشند. به این ترتیب باید گفت هر چند از لحاظ یک فضیلت خاص، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همانند سایرین است اما از جهات دیگر برتری و ثواب افزون تری داراست. به طور مثال امام صادق علیه السلام اجر زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را «زیارت خداوند فوق عرش او» معزفی فرموده اند و بعد در پاسخ به این سؤال که «چه اجری برای کسی است که یکی از شما (اهل بیت) را زیارت کند؟» بیان داشته اند: «کمن زار رسول الله اجرى همانند اجر کسی که زیارت رسول خدا کند.» (الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵)

این «همسانی» بدان معناست که در این ثواب خاص، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با سایر معصومین علیهم السلام تفاوتی ندارد. اما با نظر به مجموعه ی فضایل، زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افضل از سایر اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

آنچه گفتیم درباره ی سایر معصومین نسبت به یکدیگر - بر اساس رتبه های متفاوتشان - نیز صدق می کند. مثلاً ممکن است زیارت سیدالشهدا علیهم السلام - با توجه به برتری مقام آن حضرت بر امام رضا علیه السلام - نسبت به زیارت امام هشتم علیه السلام افضل باشد، اما زیارت غریب طوس از جهت برخی آثار نسبت به زیارت کربلا افضل تلقی گردد.

ثواب هجرت به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ثواب زائر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ثواب مؤمنی است که در زمان حیات ایشان به سوی آن حضرت هجرت کند. خود آن بزرگوار در بیان این بهره می فرماید:

مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي.^۱
 هر که قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در [زمان] حیاتم به سوی من هجرت کرده است. پس اگر نتوانستید [به مدینه بیایید، از دور] به سوی من سلام بفرستید [سلامتان] به من می رسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زیارت قبر شریف خویش را در حکم هجرت به سوی خود در زمان حیات در نظر گرفته اند. این تنظیر نشان می دهد که اولاً زیارت قبر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم امری مشروع است. ثانیاً کسانی که چنین عبادتی را انجام بدهند، همانند کسانی هستند که در زمان حیات رسول خدا به حضور ایشان می رسیدند. اینان همانند مهاجران مشمول رأفت حضرت رحمة للعالمین قرار می گیرند. حتی ایشان دستور فرموده اند که اگر چنین توانی نداشتید از دور به من سلام بفرستید که سلامتتان به من می رسد. به این ترتیب رسول مکرم اسلام از عرض ارادت زائر دور^۲ یا نزدیک خود باخبر می گردد و به مشتاق

۱ (چنانکه در روایتی از امام جواد علیه السلام این برتری مورد تأکید قرار گرفته است. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۱)

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳.

۳. مرحوم مجلسی بابی تحت عنوان «زیارتة صلی الله علیه و آله و سلم من البعید» در (بحار الانوار،

خویش، توجّه دارد.

ثواب حج مقبول با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نیز زیارت مقبول این مقبره ی شریف، ثواب حجّی به همراه رسول خدا را دارد. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مَبْرُورَةً.^۱

زیارت قبر رسول خدا، معادل حجّی مقبول با رسول خداست.

با توجّه به ضوابط دقیق قبولی عبادات، نمی توان قبولی حج را امری سهل و عادی تلقی کرد. بسیاری حج هایی که مورد قبول واقع نمی شوند.^۲ حال اگر ثواب یک حج مقبول را در پی زیارت رسول خدا به انسان عطا فرمایند، لطف عظیمی به او کرده اند؛ آن هم حجی که پایه پای رسول خدا و در خدمت ایشان به انجام رسد.

شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خلاصی از گناهان

حضرت سید الشهدا علیه السلام به نیای بزرگوار خود - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - عرضه می دارد: «پدر جان! چیست برای زائر شما [از بهره ها و

۱. ج ۱۰۰، ص ۱۸۱) گشوده اند و زیارتنامه های مأثور درباره ی زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دور را در آن نقل کرده اند. نیز برای ملاحظه ی کیفیت زیارت رسول خدا از دور بنگرید به: الاقبال الاعمال الحسنة، ص ۶۰۴ و مفاتیح الجنان تحت عنوان «زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از بعید».

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۵.

۲. امام موسی بن جعفر علیه السلام ثواب حج ها و عمره های مقبول در پی زیارت امام رضا علیه السلام را وعده می دهند. پس از آن که تعجب راوی را می نگرند می فرمایند: «رَبِّ حَجَّةٍ لَا تُقْبَلُ» چه بسیار حجی که پذیرفته نمی شود. (فروع کافی، ج ۴، ص ۵۸۵).

ثواب‌ها؟!» آن حضرت در پاسخ می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ^۱

پسرکم! هر کسی مرا در حال حیات یا مرگ زیارت کند یا پدر تو را زیارت نماید یا به زیارت برادرت بیاید یا تو را زیارت کند، [برای او] بر من حق است که روز قیامت زیارتش کنم و از گناهانش خلاصش نمایم.

گناهان منشأ دشواری‌های متعددی در قیامتند. می‌توانند کار انسان را در مواقف مختلف آن دشوار کنند. گرفتار شدن به تبعات معصیت‌ها می‌تواند تا آن‌جا ادامه یابد که انسان مؤمن را - هر چند به طور موقت - راهی عذاب دوزخ کند و از همراهی با سروران خویش محروم سازد. انسان ناپاک وارد بهشت نمی‌شود. اگر آلودگی‌های انسان تا قیامت از او پالایش نشده باشند خطر جدی آتش جهنم او را به شدت تهدید می‌کند.^۲

در چنین موقعیت خطیری اگر حبیب خدای مَنان - حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم - به دادِ انسان برسد بی‌شک رها خواهد شد. اگر آن حضرت بندهای گناه را از دست و پای انسان بگشاید نجات، قطعی خواهد بود. خداوند متعال درخواست محبوبش را رد نمی‌کند و شفاعت آن حضرت را در حق گناهکاران امتش می‌پذیرد. البتّه امت

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۸.

۲. برای مشاهده‌ی تفصیلات و مستندات مطالب مذکور بنگرید به: کتاب «در ضیافت ضریح» بخش اول، فصل سوم و کتاب «معرفت امام عصر» بخش دوم، فصل چهارم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فقط همان کسانی هستند که ولایت وصی پیامبر را پذیرفته اند و منکر جانشینی بلا فصل امیر مؤمنان (علیه السلام) نیستند. منکران ولایت آن حضرت جزء امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) محسوب نمی شوند.^۱

آنچه ارزش شفاعت رسول خدا را بیشتر روشن می کند، خطابی از سوی پروردگار به آن حضرت است که می فرماید:

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى.^۲

و پروردگار تو به تو خواهد بخشید پس تو راضی می شوی.

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) از حضور ایشان پرسید: «کدامین آیه در کتاب خداوند امیدوار کننده تر است؟» حضرت فرمودند: «قوم تو درباره ی آن چه می گویند؟» پاسخ داد: «می گویند [این آیه که]:»

۱. به عنوان مشتق از خروار به این دو روایت شریف از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) بنگرید:

✓ یا علی!... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَإِنَّاكَ وَاضْطَفَانِي وَإِنَّاكَ وَاخْتَارَنِي لِلنَّبُوءَةِ وَاخْتَارَكَ لِلإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي (بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۹۰، به نقل از عیون اخبار الرضا و امالی صدوق) ای علی!... خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفرید و من و تو را برگزید و مرا برای نبوت اختیار کرد و تو را برای امامت برگزید. پس هرکس امامت تو را انکار کند نبوت مرا منکر شده است.

✓ یا علی! أَنْتَ وَصِيٌّ وَخَلِيفَتِي فَمَنْ جَحَدَ وَصِيَّتَكَ وَخِلَافَتَكَ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۴، به نقل از امالی صدوق) ای علی! تو وصی و جانشین منی پس هرکس وصایت و جانشینی تو را انکار کند پس از [امت] من نیست و من از او نیستم و روز قیامت من دشمن اویم.

آیا با وجود این فرمایش های صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، کسانی که منکر ولایت امیر مؤمنان و امامت و جانشینی بلا فصل ایشانند می توانند ادعا کنند که در زمره ی امت رسول خدایند؟



يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.^۱

ای بندگان من! - که بر خویشتن اسراف ورزیده‌اند - از
رحمت خداوند ناامید نباشید که خداوند همه‌ی گناهان را
می‌بخشاید.
حضرت فرمودند:

لَكُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نَقُولُ ذَلِكَ.

ولی ما اهل بیت این [آیه] را نمی‌گوییم.
عرضه داشت: «پس چه چیز می‌فرمایید؟»
حضرت پاسخ دادند:

نَقُولُ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ».

ما می‌گوییم [آیه‌ی]: «و پروردگار تو به تو خواهد بخشید، پس تو
راضی می‌شوی».
و سپس فرمودند:

الشَّفَاعَةُ وَاللَّهِ الشَّفَاعَةُ وَاللَّهِ الشَّفَاعَةُ.^۲

[منظور آیه] شفاعت است، بخدا شفاعت است، بخدا شفاعت
است.

در یکی از دعا‌های ماه مبارک رمضان، این آیه‌ی مبارکه را بهانه‌ی
التماس به درگاه الهی قرار می‌دهیم و عرضه می‌داریم:

۱. زمر / ۵۳.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۷، به نقل از تفسیر فرات.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى» اَللّٰهُمَّ اِنَّ نَبِيَّكَ وَرَسُوْلَكَ وَحَبِيْبَكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضٰى بِاَنْ تُعَذِّبَ اَحَدًا مِنْ اُمَّتِكَ دَانَكَ بِمُوَالَاتِهِ وَ مُوَالَاةِ الْاِيْمَةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اِنْ كَانَ مُذْنِبًا خَاطِئًا فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ فَاجْرِنِيْ يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَ عَذَابِهَا وَ هَبْنِيْ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.^۱

خداوند! تو به پیامبرت فرمودی: «و پروردگار تو به تو خواهد بخشید پس راضی می شوی.» خدایا: نبی تو و فرستاده ی تو و محبوب تو و برگزیده ی تو از میان آفریده هایت، راضی نمی شود که احدی از امتش را در آتش جهنّم عذاب کنی [کسانی که] با قبول ولایت و محبّت او و امامان از اهل بیتش دیندار تو بوده اند؛ هر چند گنهگار و خطا کار باشند. پس پروردگارم! مرا از جهنّم و عذاب آن پناه ده و مرا به محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام ببخش ای مهربانترین مهربانان!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این قدر به امت واقعی خویش (شیعیان) عنایت و محبّت دارند که راضی نمی شوند احدی از آنها جهنمی شود. بنابراین - اگر هم کسی از اهل ایمان موقتاً به عذاب برزخی یا دوزخ گرفتار شود^۲

۱. الاقبال بالاعمال الحسنة، ص ۱۰۶.

۲. توجه به این نکته لازم است که: اولاً این شفاعت برای روز قیامت وعده داده شده است و اگر اهل ایمان تا پیش از مرگ از آلودگی ها پاک نشده باشند ممکن است در قبر و عالم برزخ معذب شوند. چنانکه فرموده اند: «به خدا سوگند بر شما جز از برزخ نمی هراسم». (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۴) چنانکه از روایات برمی آید قاعده ی کلی این

در نهایت شفاعت نبوی بهشتی اش می‌کند. اینجاست که ارزش دیدار با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلاص شدن از گناهان به دست ایشان را درمی‌یابیم. خدای متعال به ایشان وعده فرموده که راضیشان کند. رضایت ایشان هم به بخشودگی شیعیان است؛ آنان که به ولایت و محبت چهارده معصوم علیهم السلام، دیندار بوده‌اند. خداوند متعال مؤمنی که گناه سرپایش را گرفته به رسول و حبیب خود می‌بخشد. برای کسی که در دنیا به زیارت آن بزرگوار رفته باشد امید به این نجات، درخشنده‌تر است.

زیارت خداوند متعال بر فراز عرش

بالاترین ثواب زائر مدینه، در فرمایشی از امام صادق علیه السلام جلوه گر شده است. ایشان در جواب این سؤال که: «کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند، چه ثواب و بهره‌ای دارد؟» می‌فرمایند:

كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ.^۱

همانند کسی [است] که خداوند را فراز عرشش زیارت کند.

زیارت به معنای دیدار است و زائر، کسی است که در طریق دیدار مزور خویش گام می‌زند و با او روبرو می‌شود. سؤالی که ممکن است در

۱ نیست که در برزخ از مؤمن شفاعت فرمایند.

ثانیاً: بر اساس برخی از روایات بعضی از اهل ایمان، که تا قیامت هنوز آلودگی معاصی را به همراه دارند، مشمول شفاعت حضرت نمی‌شوند و خود ایشان به آنها اجازتی ورود به بهشت را نمی‌دهند. بنابراین، اینکه فرموده‌اند «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عذاب شدن احدی از امت در جهنم، راضی نیست» ممکن است در مورد عذاهای به این باشد که در جهنم به صورت ابدی و خالد باقی نمانند.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴.

این جا مطرح شود آن است که: «معنای زیارت خداوند چیست؟» در پاسخ به این پرسش، نخست این نکته‌ی ظریف توحیدی به روشنگری عقل، باید مورد توجه قرار گیرد که خداوند متعال منزّه از مکان داشتن است. حتّی فرض مکنانمند بودن نیز از او منتفی است. پس معنایی از «زیارت پروردگار» معقول است که فرض مکان و سایر فروض تشبیه‌آمیز - از جمله تجسّم - را از خداوند نفی نماید. لذا نمی‌توانیم گفت دیدار و زیارت خداوند به معنای روبرو شدن و دیدار فیزیکی با اوست. معنای این زیارت قطعاً هیچ شباهتی به معنای ملاقات با مخلوقات ندارد. با این توجه می‌توانیم درباره‌ی زیارت خداوند متعال سه احتمال مطرح کنیم:

احتمال نخست این است که منظور از زیارت پروردگار، ترقّی درجات معرفتی انسان نسبت به خداوند متعال باشد. عطای شریف معرفة الله وقتی در درجات بالایش به انسان موهبت می‌شود قلب او را روشنایی عظیمی می‌بخشد. حال، پروردگار متعال، اوقات^۱ و مکانهایی را نشان کرده و به انسانها معرفّی نموده است که می‌توانند با درک آنها این فیض عظیم و فوز بی‌ظیر را دریابند.

به واسطه‌ی عنایتی که خداوند متعال به آن جایگاه یا زمان دارد آنها را در معرض اعطای نور معرفت خویش قرار می‌دهد و آدمی را به سوی آنها رهنمون می‌شود. با وارد شدن به آن فضا یا درک آن زمان خاص، شایستگی درک این عنایت الهی برای انسان پیدا می‌شود. به این ترتیب

۱. چنانکه از سیدالشهدا علیه السلام روایت شده که در بیان معنای «قد قامت الصلوة» فرمودند: آی حان وقتُ الزّیارةِ و المُنَاجاةِ و قضاءِ الحوائِجِ و ذرکُ المُنَى و الوُصولُ إلى الله عَزَّوَجَلَّ (التَّوَحُّد، ص ۲۴۱).

فرد به اشارت الهی می تواند بستر و زمینه‌ای را فراهم کند تا پروردگار متعال این لطف خویش را شامل حالش نماید. در مورد ارزش این ثواب عظیم از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَّعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْئُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَلَنَعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَتَلَذُّوْا بِهَا تَلَذُّذُ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْسَ مِنْ كُلِّ وَخْشَةٍ وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَخْدَةٍ وَنُورٌ مِنْ كُلِّ ظُلْمَةٍ وَ قُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ وَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ.^۱

اگر مردم می دانستند چیست در برتری معرفت خداوند عزوجل، به آنچه خداوند به دشمنان بهره رسانده - از زیبایی‌های زندگی پست دنیا و نعمت‌های آن - دیده نمی دوختند و دنیایشان نزدشان از آنچه با پاهایشان پا مال می کنند کمتر بود و به معرفت خدای عزوجل بهره می جستند و از آن لذت می بردند؛ لذت بردن کسی که همواره در باغهای بهشت همراه اولیاء خداست. معرفت خدای عزوجل مونس از هر وحشت و همنشین در هر تنهایی و نور در هر تاریکی و قدرت نسبت به هر ناتوانی و شفا از هر بیماری است.

این عبارات شریف، ارزش والای «معرفت الله» را نمایان می کند به گونه ای که:

اوّلّاً با هیچ نعمت و خیر دنیوی قابل مقایسه نیست. کسی که آن را دریابد، چنان اوج می گیرد که همه چیز دنیا در نظرش بسیار بی ارزش و غیر قابل اعتنا می شود.

ثانیاً کسی که به فیض معرفت الله می رسد چنان احساس لذّت معنوی دارد که گویا همواره در بهشت منزل گرفته و چهره به چهره ی اولیای بزرگوار الهی است.

ثالثاً وقتی معرفت الله ساکن قلبی شد دیگر صاحب آن، ابایی از تنهایی و وحشت از بیماری ندارد چرا که نور معرفت الله ماهیّت او را از ظلمت به در آورده است. این نور ناب ترین بهره های الهی و برکات ربّانی را به او چشاند است.

معنای احتمالی دومی که از زیارت خداوند می توان دریافت این است که منظور از زائر خداوند متعال، زائر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد. اباصلت خدمت امام رضا علیه السلام می رسد و می پرسد: درباره ی این روایت چه می فرمایید که: «مؤمنان از جایگاه هایشان، در بهشت، پروردگارشان را زیارت می کنند؟» آن حضرت می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَضَّلَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ جَعَلَ طَاعَتَهُ طَاعَتَهُ^۱ وَ مَبَايَعَتَهُ مَبَايَعَتَهُ^۲ وَ زِيَارَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ زِيَارَتَهُ.

خداوند تبارک و تعالی پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه ی آفریدگانش - از انبیاء و فرشتگان - برتری داد و فرمانبری او را

۱. چنانکه قرآن کریم می فرماید: مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطاع الله (نساء / ۸۰).

۲. چنانکه قرآن کریم می فرماید: اِنَّ الَّذِيْنَ يُبَايعُوْكَ اِنَّمَا يُبَايعُوْنَ الله (فتح / ۱۰).

فرمانبری خود و بیعت با او را بیعت با خود و زیارت او را - در دنیا و آخرت - زیارت خود قرار داد.

ایشان سپس حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان می کنند که ضمن آن رسول خدا صلی الله علیه و آله زیارت خود در زمان مرگ یا حیات را زیارت خداوند متعال دانسته اند. سپس امام رضا علیه السلام می فرمایند:

دَرَجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ أَرْفَعُ الدَّرَجَاتِ فَمَنْ زَارَهُ إِلَى دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ مَنْزِلِهِ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

مرتبه‌ی پیامبر اکرم در بهشت، بالاترین درجات است. پس هر که ایشان را تا رتبه‌اش در بهشت، که منزل ایشان است، زیارت کند پس او خداوند تبارک و تعالی را زیارت کرده است.

روشن است که یکی بودن زیارت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و پروردگار متعال را نباید به حلول یا اتحاد تعبیر کرد. نه عقل پذیرای چنین فرضی است و نه کتاب و سنت. بلکه سخن در این است که برکات و فضایل زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله - چه در هنگام مرگ و چه در زمان حیات مبارکشان - بسیار پر ارزش است تا حدی که وقتی زائر مقبول از حضور ایشان می رود، همان فضایی را دریافت می کند که اگر به فرض خدا را زیارت می کرده به آنها می رسید. علاوه بر این پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله «وجه الله» هستند؛ یعنی رو، سو و جهتی هستند که هر که به ایشان رو کند در حقیقت به خداوند رو کرده است. زائر از آن رو به سراغ ایشان می رود که آن حضرت را طریق معرفت الهی و شناخت رضا و سخط حق می داند. می رود تا از شاهراه زیارت، معرفت به پروردگار بیابد و دین خدا را فراگیرد. لذا هر کس با این فرستاده‌ی خدا و «وجه الله» دیدار می کند در حقیقت متوجه پروردگار متعال شده است. اینگونه است که

ثوابی عظیم نصیب زائر می شود؛ چنانکه امام رضا علیهم السلام در ادامه ی روایت پیشین می فرمایند:

يَا أَبَا الصَّلْتِ مَنْ وَصَفَ اللَّهَ بِوَجْهِهِ كَالْوُجُوهِ فَقَدْ كَفَرَ وَلَكِنَّ
وَجْهَ اللَّهِ أَنْبِأُوهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَّجُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ هُمْ
الَّذِينَ يَتَوَجَّهُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَى دِينِهِ وَمَعْرِفَتِهِ.

... فَالْنَّظَرُ إِلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَحُجَّجِهِ فِي دَرَجَاتِهِمْ ثَوَابٌ
عَظِيمٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... يَا أَبَا الصَّلْتِ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا
يُوصَفُ بِمَكَانٍ وَلَا يُدْرَكُ بِالْأَبْصَارِ وَالْأَوْهَامِ.^۱

ای اباصلت! هرکس خدا را به صورتی همانند صورتها توصیف کند، کافر شده است اما «وجه الله» انبیاء او و فرستادگان او و حجّت های او هستند که به واسطه ی آنها به خداوند عزوجل و به سوی دین و معرفت او توجّه می شود... پس نگرستن به انبیاء خدا و فرستادگان او و حجّت هایش، پاداشی بزرگ در روز قیامت است... ای اباصلت! خدای تبارک و تعالی به [داشتن] مکان توصیف نمی شود و با دیدگان و اوهام إدراک نمی گردد.

فرمایش امام رضا علیهم السلام تأکیدی بر نکات پیش گفته است: اولاً اینکه خداوند متعال قابل تشبیه و تصوّر نیست؛ چه رسد به اینکه قابل دیدن به چشم حسی باشد. ثانیاً انبیاء، رسولان و حجّت های الهی، «وجه الله» هستند. ثواب عظیمی که دیدار آنها در آخرت دارد و ارتقاء معرفتی ای که ایجاد می کند به زیارت خداوند تعبیر شده است.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۴، ص ۳، به نقل از توحید صدوق و عیون اخبار الرضا علیهم السلام.

۲. زیبا اینکه تعبیر «زیارت خدا» به طور خاص به عنوان ثواب زیارت

این می‌تواند حاکی از تحفه‌ی بی‌مانند معرفت الله باشد. سوّم این‌که در مورد خاصّ پیامبر اکرم ﷺ و عترت گرامی ایشان،^۱ دیدار و زیارتشان حتّی در دنیا نیز می‌تواند چنین ثواب سترگی را به همراه داشته باشد.

اما احتمال سوّم در معنای روایت شریف را می‌توان از توضیح مرحوم شیخ طوسی در ذیل آن دریافت. ایشان معتقدند زیارت خداوند به معنای به دست آوردن بهترین بهره‌ها و سرشارترین ثواب‌ها توسط زائر رسول خدا ﷺ می‌باشد. ایشان می‌فرمایند:

این [بدان معناست] که در روز قیامت برای زائر اوست از ثواب و اجر عظیم و زیبایی در روز قیامت، همانند [بهره‌ی] کسی که خداوند به‌سوی آسمانش بالایش برده باشد و به عرش خود نزدیکش نموده باشد؛ [عرشی] که ملائک آن را حمل می‌نمایند و به او می‌نماید از [بهره‌های] ویژه‌ی فرشتگانش آنچه بدان افزونی و فراوانی کرامتش محقق می‌شود و [منظور از این روایت] چنان نیست که عامّه گمان می‌کنند از [معانی‌ای] که مقتضی تشبیه است.^۲

۱. امیرمؤمنان علیه السلام (کامل الزیارات، باب ۶۰، ح ۴)، سیدالشهدا علیه السلام (کامل الزیارات، باب ۵۷، ح ۲) امام رضا علیه السلام (کامل الزیارات، باب ۱۰۱، ح ۱۳) و به‌طور کلی در مورد ثواب زیارت همه‌ی معصومین علیه السلام (کامل الزیارات، باب ۶۰، ح ۴) نیز به کار رفته است. این خود بیانگر اوج قلّه‌های معرفتی است که زائر در هنگام زیارت مشاهد مشرفه‌ی این بزرگواران، می‌تواند به آن عروج کند.

۲. توجه شود که در فرهنگ شیعه، همه‌ی شوّون پیامبر - غیر از نبوت - برای اهل بیت ایشان نیز ثابت می‌باشد (به عنوان نمونه رجوع کنید به کفایة الاثر، ص ۲۶۱).
۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴ و ۵.

فضیلت مسجد النبی

نماز در مسجد نبوی

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز در مسجد شریف خود را با نماز در سایر مساجد - غیر از مسجد الحرام - مقایسه می فرماید. آن حضرت ثواب نماز در آن را معادل ده هزار نماز در دیگر مساجد می شناسند و می فرمایند:

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَشْرَةَ آلَافِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ
مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ تَعْدِلُ مِائَةَ
أَلْفِ صَلَاةٍ^۱

یک نماز در مسجد من نزد خداوند، معادل است با ده هزار نماز - در دیگر مساجد - به جز مسجد الحرام. چرا که نماز در آن معادل است با صد هزار نماز [در دیگر مساجد].

و البته این ثوابها - چه در مسجد النبی و چه در مسجد الحرام - دارای مراتب هستند و بیش و کم می شوند.

در روایت دیگری از خورشید رخشان سلسله ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است:

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ وَ صَلَاةٌ فِي
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي^۲
یک نماز در مسجد من معادل است با هزار نماز در غیر آن [از مساجد] و یک نماز در مسجد الحرام معادل است با هزار نماز در مسجد من.

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۰.

۲. کامل الزیارات، باب ۴، ح ۲.

درباره‌ی این دو روایت تذکر به این نکته، خوب است که: بیان ثوابهای مختلف برای نماز در مسجد النبی (از هزار برابر تا ده هزار برابر دیگر مساجد) و مسجد الحرام (از صد هزار برابر تا یک میلیون برابر دیگر مساجد) بایکدیگر منافات ندارد. این روایات در مقام بیان مراتب و درجاتی هستند که یک نماز گزار می‌تواند تا آنها صعود کند. ممکن است یک وجه بیان این درجات، به درجات ایمان و معرفت افراد باز گردد. شاید به کسی که تلاش خود را در کسب شرایط قبولی عملش به خرج داده و اهل تقوی و اخلاص است یک میلیون برابر دیگر مساجد، ثواب نماز بدهند. به دیگری که مرتبه‌ی ایمانی و عملی فروتری دارد، صد هزار برابر دیگر مساجد، ثواب نماز اعطا نمایند. حتی ممکن است به کسی هیچ مقدار از این رحمت، موهبت نکنند. بنابراین باید توجه داشت که اعطای بالاترین رتبه‌ی این ثواب برای همگان ثابت نیست. بسته به رتبه‌ی هرکس اعطای ثواب‌ها به او تفاوت می‌کند.

نکته‌ی دیگر آنکه این ثواب عظیم تنها به نمازهای یومیّه‌ی واجب اختصاص ندارد. هر نمازی با نیت مشروع می‌تواند چنین ثوابی را برای نماز گزار جلب کند.

روضه‌ی نبوی

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرموده‌اند که:

مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِئْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِئْبَرِي عَلَى
تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ وَ قَوَائِمُ مِئْبَرِي رُبَّتْ فِي الْجَنَّةِ.^۱



ما بین خانه ی من و منبرم باغی است از باغ های بهشت و منبر من بر گذرگاهی است از معابر بهشت و پایه های منبر من در بهشت استوار شده [و از آن جدایی نمی پذیرد].

جایگاهی که اکنون منبر عثمانی^۱ در آن قرار دارد، همان جایگاه منبر رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. فاصله ی میان این منبر تا خانه ی رسول خدا- که امروزه در داخل ضریح سبز رنگی واقع است- یک ضلع روضه ی نبوی را تشکیل می دهد. این مکان باغستانی بهشتی است. از گوشه ی آن گذرگاهی به بهشت برین گشوده شده است؛ هر چند که در ظواهر امر چیزی مشاهده نشود. در ادامه ی همین روایت، راوی از حضرت امام صادق علیه السلام می پرسد: «امروز، روضه آنجاست [که می فرماید]؟»، ایشان پاسخ می فرمایند:

نَعَمْ لَوْ كُشِفَ الْغُطَاءُ لَرَأَيْتُمْ.^۲

آری اگر پرده کنار می رفت یقیناً می دیدید [که روضه ی نبوی بهشت است].

امامی که پرده از پیش چشمش بر کنار است طراوت این بوستان بهشتی را در می یابد و خبر از این غیب می دهد. هر چند که چشمان ادراک ما کور است اما اینقدر هست که می توانیم در این بهارستان حاضر شویم. می توانیم در جوّ معنوی آن تنفّس کنیم. می شود که توشه ی خود را از ثمره های فردوسی آن انباشته سازیم. اما ضلع دیگر روضه ی شریف نیز در روایات مشخص شده است.

۱. منبری که در سال ۹۹۸ ه. ق توسط سلطان عثمانی به روضه ی نبوی هدیه شد. (اطلاعات بیشتر در مورد منبر نبوی را در کتاب «آثار اسلامی مکه و مدینه»، بخش دوم بنگرید.)

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که وقتی راوی حدّ روضه را از ایشان می پرسد، آن حضرت می فرماید:

[به اندازه] فاصله‌ی چهار ستون از منبر تا سایبان‌ها.^۱

حدّی که حضرت به آن اشاره فرموده‌اند فاصله‌ای است که چهار ستون «سریر، حرس، وفود و مقام جبرئیل» در آن جای دارند. به این ترتیب روضه‌ی منوره تقریباً شکل مربعی دارد که یک ضلع آن «فاصله‌ی ستون سریر تا ستون مقام جبرئیل» و ضلع دیگرش «فاصله‌ی ضریح تا منبر شریف» می باشد.^۲

این قسمت هم اکنون در مسجد النبی، بافرش‌های سبز رنگ مشخص شده است.

مختصری از اعمال مدینه‌ی منوره و مسجد النبی

امام صادق علیه السلام کیفیت عبادت در مدینه‌ی منوره را چنین تعلیم داده‌اند:

چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه روزه بدار و شب چهارشنبه و روز چهارشنبه نزد استوانه‌ای که متصل به سر نبی اکرم صلی الله علیه و آله است نماز بگزار و شب پنج‌شنبه و روز پنج‌شنبه نزد ستون ابولبابه [نماز کن] و شب جمعه و روز جمعه نزد ستونی که چسبیده به مقام رسول خداست [نماز بخوان] و خدا را برای برآوردن حاجت، به این دعا بخوان، و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَمِیعِ مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

۲. درباره‌ی مقام جبرئیل در ادامه نکاتی خواهد آمد.

بِی كَذَا وَكَذَا.^۱

خداوند! به [حقّ] عزّت تو و قوّت تو و قدرت تو و [به حقّ] همه‌ی آنچه علمت به آن احاطه دارد از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و برای من چنین و چنان کنی.

منظور از «استوانه‌ی مقابل سر مطهر» ستونی است که بنابر مشهور در ایّام اعتکاف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن جا تشریف داشتند و نزد این ستون روی برگهای خرما استراحت می‌فرمودند. این ستون معروف به «ستون سریر» است. نیز ستونی که براساس نظر شیخ مفید، سیّد بن طاووس، شهید اوّل و صاحب مزار کبیر^۲ مقابل مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، اکنون نزدیک محراب قرار دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کنار و مقابل آن نماز می‌گزارده‌اند. این ستون به استوانه‌ی «خَلْق» یا «مُخَلَّقه» شهرت^۳ دارد. وجه تسمیه‌ی این ستون به مُخَلَّقه (معطر) و خَلْق (عطر) این است که بر این ستون عود قرار می‌داده‌اند و اینگونه مسجد را معطر می‌ساخته‌اند.

نکته‌ی مهم این است که اگر انسان می‌خواهد نزد این ستون نماز بخواند نباید آن را پشت خود قرار دهد چون در این صورت پشتش به پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود و نماز او در این صورت مشکل پیدا می‌کند. اگر هم مقابل ستون می‌ایستد باید قدری از آن فاصله بگیرد و عقب‌تر بایستد، به طوری که محاذی بدن مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا جلوتر از ایشان نبایستد.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶۴.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۸ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶۱.

اما ستون دیگری که در روایت شریف، نماز در روز و شب پنج شنبه در کنار آن توصیه شده «ستون ابولبابه» یا «ستون توبه» می باشد. درباره‌ی این ستون روایت عبرت آموزی نقل شده است. بنگرید:

وقتی رسول خدا [یهودیان] بنی قریظه را محاصره فرمود، آنان به ایشان عرض کردند: «ابولبابه را نزد ما بفرست تا در کار خود با او مشورت کنیم.» پیامبر ﷺ فرمودند: «ابولبابه نزد هم قسман و دوستان برو!» پس نزد آنان آمده به او گفتند: «ای ابولبابه! چه [صلاح] می بینی؟ آیا بر حکم رسول خدا [تمکین کنیم و از قلعه‌ی خود] فرود آییم؟» پاسخ داد: «فرود آیید و بدانید که حکم او در مورد شما سر بریدن است» و به حلقش اشاره کرد. بلافاصله بر این [خطای خود] پشیمان شد و گفت: «به خدا و رسولش خیانت کردم». از قلعه‌ی آنان فرود آمد و به سوی رسول خدا بازنگشت و به مسجد رفت و ریسمانی به گردن خود بست و آن [ریسمان] را به ستونی بست که «استوانه‌ی توبه» نامیده شد و گفت: «آن را نمی‌گشایم تا اینکه یا بمیرم یا خداوند توبه‌ام را بپذیرد.» [خبر] به رسول خدا رسید. فرمودند:

أَمَّا لَوْ أَنَا لَا سَتَغْفِرْنَا لَهُ فَمَا إِذَا قَصَدَ إِلَى رَبِّهِ فَاللهُ أَوَّلِي بِهِ.
آگاه باشید اگر او نزد ما می آمد برای طلب آمرزش می کردیم اما اکنون که او پروردگارش را قصد نموده، پس خداوند [خود] به [آمرزش] او اولی است.

در ادامه‌ی روایت، احوال ابولبابه در حین توبه چنین تصویر شده است:

ابولبابه روز را روزه می داشت و شب می خورد؛ آنگونه که رمقش را نگه دارد و دخترش شب پیشش می آمد و هنگام قضای

حاجت بازش می نمود. پس از این [رخدادها یک روز که] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ی امّ سلمه بودند [پذیرش] توبه ی او نازل شد. [پیامبر] فرمودند: ای امّ سلمه! خداوند توبه ی ابولبابه را پذیرفت. [امّ سلمه] عرض کرد: «ای رسول خدا! این [خبر] را به او اعلام کنم؟» حضرت فرمودند: «چنین کن». پس [امّ سلمه] سرش را از حجره بیرون کرد و گفت: «ای ابولبابه! بشارت بده که خداوند توبهات را پذیرفت!» پس [ابولبابه] گفت: «الحمد لله». مسلمان ها جلو رفتند که او را باز کنند [اما] گفت: «نه به خدا سوگند [نمی روم] تا رسول خدا به دست خود بازم کند» پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و فرمودند:

يَا أَبَا بَابَةَ قَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَوْبَةً لَوْ وُلِدْتَ مِنْ أُمِّكَ يَوْمَكَ
هَذَا لَكَفَاكَ^۱.

ای ابولبابه! خداوند توبه ی تو را پذیرفت؛ [پذیرش] توبه ای که تو را کفایت می کند [آنگونه که] اگر امروز از مادرت متولد شده بودی برای کفایت می کرد.

ابولبابه خود را به این ستون بست تا خداوند متعال توبه اش را بپذیرد. خود را میان مرگ و توبه قرار داد تا با گرسنگی کشیدن تقاص خیانتی را که کرده بود بدهد. نکته ی جالبی که در این داستان وجود دارد آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اگر ابولبابه نزد من می آمد برای او استغفار می کردم اما اکنون که مستقیماً به درگاه الهی رفته است خدای او به او سزاوارتر خواهد بود.» در واقع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امر ابولبابه را به خدایش واگذار نمودند و خود برای آمرزش

او، به طور مستقیم دخالت نفرمودند. اگر از همان ابتدا ابولبابه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می رسید و از ایشان تقاضای شفاعت می نمود چه بسا زودتر از این و بدون تحمّل ضجرها توبه اش پذیرفته می شد؛ آنگونه که در کلام الهی آمده است:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.^۱

و [ای رسول ما!] اگر آنان - هنگامی که به خویش ظلم روا داشتند - نزد تو^۲ می آمدند و از خدا طلب بخشایش می نمودند، و رسول [خدا] نیز برایشان استغفار می کرد، یقیناً خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند.

ابولبابه برای بخشوده شدن فقط یک راه را انتخاب کرد؛ در حالی که برای بهتر و سریعتر نتیجه گرفتن از آن راه، می توانست عمل دیگری را به آن ضمیمه نماید. اگر علاوه بر استغفار خودش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز برای او استغفار می فرمودند آن وقت - به بشارت آیه ی فوق -

۱. نساء / ۶۴.

۲. امام صادق علیه السلام پس از قرائت این آیه ی شریفه، فرمودند: یَعْنِي وَاللَّهِ النَّبِيُّ وَ عَلِيًّا مِمَّا صَنَعُوا أَيْ لَوْ جَاؤُوكَ بِهَا يَا عَلِيُّ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (الکافی، ج ۸، ص ۳۳۵). به خدا مقصود [خداوند] نبی اکرم و حضرت علی علیه السلام است [که برای توبه] از آنچه کرده اند [به سوی این دو بزرگوار روند] یعنی ای علی! اگر آن [گناهان] را نزد تو می آوردند و از خداوند مغفرت می طلبیدند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله برایشان استغفار می کرد، خداوند را توبه پذیر مهربان می یافتند.

امام صادق علیه السلام در این روایت معنای دقیق آیه ی مذکور را بیان می فرمایند. فرمایش ایشان حاوی این نکته ی پر اهمیت است که استغفار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غفران الهی صرفاً شامل حال کسانی خواهد بود که رو به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام آورده و در مقابل آن بزرگوار سر تسلیم فرود آورده باشند.

خداوند را بسیار توبه پذیر می یافت. با انتخاب این راه خداوند راحت تر و سریعتر توبه ی او را می پذیرفت و رحمت خود را به خاطر محبوبش بر او می بارید. اما او چنین نکرد. لذا امرش از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خداوند واگذار شد که خود هرچه می خواهد بکند.

جالب اینجاست که همین آیه ی شریفه در زیارت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده و زائر با تلاوت آن، وعده ی الهی را یادآور می شود تا خداوند توبه اش را پذیرا گردد. بنگرید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»
وَإِنِّي آتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي اتَّوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.^۱

خداوند! [به پیامبرت] فرمودی: «و اگر آنان هنگامی که به خویشتن ظلم کردند نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برایشان استغفار می نمود، خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند.» و من نزد پیامبر تو آمده ام در حالیکه غفران می طلبم و از گناهانم توبه گرم و [ای رسول خدا!] به واسطه ی تو به خداوند - پروردگارم و پروردگار تو - رو می کنم تا گناهانم را برایم ببخشاید.

امواجی از عرض توّسل و طلب شفاعت در عبارات این زیارت مأثور به چشم می خورد. در واقع زائر به خداوند عرضه می دارد: «تو گفתי هر که نزد رسولت بیاید و دست به دامن او بیاویزد، می بخشایی و به او رحم می کنی، حال من نیز چنین کرده ام.» زائر در این راه فقط با

توشه بار استغفار خویش، پیش نیامده بلکه طلب بخشایش خود را به استغفار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیوند زده است. شاهد این پیوند آن است که زائر به سایه سار امن مسجد و حریم نبوی پناه برده است. او با توسل و التجا، در کنار مزار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، استغفار می کند و از ایشان نیز می خواهد که از خداوند برای او رحمت طلب فرماید. امید است که خداوند متعال به برکت حضرت رحمة للعالمین توبه‌ی همه‌ی ما را بپذیرد و به گل روی رسولش، رحمتش را شامل حالمان کند.

مقام جبرئیل و خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام

دعا در مقام جبرئیل

در امتداد ضریح مطهر نبوی، اگر پشت به قبله (از جنوب به شمال) حرکت کنیم ستون‌های سریر، حرس و وفود را می‌گذرانیم و به چهارمین ستون می‌رسیم. در داخل ضریح مطهر، ستونی با فاصله‌ی اندک از این ستون چهارم قرار دارد که همان مقام جبرئیل است. در خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام نیز از همان جا به مسجد گشوده می‌شده است. البته این خانه‌ی مکرم در دیگری هم داشته که به بیرون مسجد باز می‌شده است. این در، در ست در امتداد در داخل مسجد (در طرف بقیع) قرار داشته و به خارج مسجد باز می‌شده است.

شایان تذکر است آنچه امروز به عنوان «باب جبرئیل» معروف است غیر از «مقام جبرئیل» است که در برابر در خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام قرار داشته و مکان اوّلیه‌ی باب جبرئیل هم همان جا بوده است.

در واقع «مقام جبرئیل» یا «باب جبرئیل اصلی»، همان جایی است

که ملک پروردگار در آستانه‌ی آن اجازه می‌خواسته تا به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برسد.

این نقطه، محلّ ورود به خانه‌ی محقری است که ملکوت آسمان‌ها را در خویش جای داده است.

در این جایگاه شریف نیز توصیه فرموده‌اند که زوّار به عبادت و دعا مشغول شوند. از جمله در روایتی امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

نزد مقام جبرئیل بیا (و آن زیر ناودان است). چرا که آن، جایگاه او (جبرئیل) است هنگامی که بر حضور خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه می‌طلبید و بگو:

أَيُّ جَوَادُ أَيُّ كَرِيمٍ أَيُّ قَرِيبُ أَيُّ بَعِيدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُزِدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ.^۱

ای بخشنده! ای کریم! ای نزدیک! ای دور! از تو می‌خواهم که بر پیامبر و اهل بیتش درود فرستی و از تو می‌طلبم که نعمت را بر من بازگردانی.

چنان‌که گفتیم این محل مبارک اکنون در داخل حجره‌ی شریف قرار دارد. و قرن‌هاست که قابل دسترسی نیست.

اما اگر مقابل ستون چهارم قرار بگیریم، تقریباً در نزدیک‌ترین نقطه به این جایگاه شریف قرار گرفته‌ایم.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷. در ادامه‌ی روایت، حضرت فرموده‌اند: «این جایگاهی است که در آن حائضی در مقابل قبله قرار نمی‌گیرد و دعا در آن نمی‌خواند مگر آن‌که ان شاءالله پاکي می‌نبرد» این دعا در لسان روایت شریف به «دعای ذم» تعریف گشته است و مرحوم مجلسی آن را در (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۸)، از کتاب من لا یحضره الفقیه نقل فرموده‌اند.

خانه‌ی حضرت صدیق‌ه‌ی طاهره علیها السلام

شرافت این خانه تا بدانجاست که در رتبه و منزلتی فراتر از روضه‌ی نبوی قرار گرفته است. وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود که: «نماز در خانه‌ی فاطمه علیها السلام برتر است یا در روضه؟» ایشان می‌فرمایند:

فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ.^۱

[نماز] در خانه‌ی حضرت فاطمه [برتر است].

این خانه‌ی شریف در زمان ولید بن عبدالملک توسط عمر بن عبدالعزیز (حاکم مدینه) تصاحب شد و داخل مسجد پیامبر قرار گرفت. امروزه این سرای الهی داخل فضای ضریح قرار دارد. امام رضا علیه السلام مدفن شریف آن بانوی مظلوم را در همین خانه دانسته و فرموده‌اند:

دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بُتُومَيَّةً فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ.^۲

[حضرت زهرا علیها السلام] در خانه‌اش دفن شد پس هنگامی که بنی

امیه به مسجد افزودند، داخل مسجد قرار گرفت.

مرحوم شیخ صدوق^۳ و مرحوم علامه‌ی مجلسی^۴ و مرحوم شیخ مفید^۵، بر اساس این روایت، احتمال دفن آن حضرت در خانه‌ی خویش را نسبت به احتمال دفن در قبرستان بقیع یا روضه‌ی نبوی، به صواب نزدیک‌تر دانسته‌اند. البته مرحوم شیخ طوسی عمل افضل را این

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۶.

۲. الکافی، کتاب الحجة، باب مولد الزهراء، ح ۹.

۳. معانی الاخبار، ص ۲۶۸.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۳.

۵. بر اساس نقل مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۹.

می دانند که انسان هم در روضه به زیارت آن حضرت پیردازد و هم در بیت آن حضرت چنین کند؛ ولی احتمال دفن آن بزرگوار در بقیع را احتمال ضعیفی بر می شمرد.^۱

فضیلت زیارت حضرت صدّیقه ی طاهره ﷺ

کسی که به زیارت حضرت صدّیقه ی طاهره ﷺ آمده است با ملائکی روبرو می شود که بر مزار آن یگانه موکّند. کسی که بر آن حضرت درود می فرستد در واقع با آنان همنا شده است.

به این روایت شگفت که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده، بنگرید: خداوند گروه کثیری از ملائک را موکّل فاطمه ﷺ قرار داده است که در کار محافظت اویند؛ از پیش رو و پشت سرش و راست و چپش. و اینان در زمان حیات او با او و پس از مرگش نزد قبر اویند و بسیار بر او، پدر و شوهر و پسرانش درود می فرستند. هرکس پس از وفاتم مرا زیارت کند، گویا فاطمه ﷺ را زیارت کرده و هر که فاطمه را زیارت کند، مرا زیارت نموده و هر که علی بن ابی طالب ﷺ را زائر باشد، انگار زائر فاطمه است و هر که به زیارت حسن و حسین ﷺ رود همانند آن است که علی ﷺ را زیارت کرده باشد و هر که فرزندان آن دو (علی و فاطمه ﷺ) را زیارت کند تو گویی آن دو را زیارت نموده است!^۲

وقتی مؤمن، سرشار از محبّت به زیارت پیامبر اکرم ﷺ، امیر مؤمنان ﷺ، حسنین ﷺ یا هریک از فرزندان معصوم سیدالشهدا ﷺ می رود گویی حضرت فاطمه ﷺ را زیارت نموده است.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹.

۲. بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ص ۱۳۹.

زیارت حضرت صدّیقه علیها السلام نیز برابری با زیارت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارد. چه جای شگفت بر این حقیقت! که فاطمه‌ی کبرا «پاره‌ی وجود رسول خدا و قلب اوست و روح میان دو پهلویش و جگر گوشه و حبیبه‌اش...»^۱ کسی که در محضر آن زکیّه زانو می‌زند به سرچشمه‌ای آمده که او را به دریای برکات می‌رساند و همنشینی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بهشت را نصیبش می‌کند. آنگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دخت گرامی خویش فرمودند:

يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ الْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ.^۲

ای فاطمه! هرکس بر تو درود فرستد خداوند [گناهانش را] برایش می‌بخشاید و او را، هر جای بهشت که باشم، به من ملحق می‌نماید.

زائر مقبول حضرت زهرا علیها السلام نه تنها مورد غفران الهی قرار می‌گیرد بلکه خداوند او را در بهشت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می‌سازد. خداوند او را در درجه‌ای فوق تصوّرش به همجواری با ایشان سرفراز می‌کند. البته ممکن است پیوستن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور موقت و در برهه‌ای از زمان باشد.

به این ترتیب، فرد توفیق تشرّف به حضور آن حضرت را در درجاتی بالاتر به صورت موقت پیدا می‌کند و سپس به رتبه‌ی خود باز گردانده می‌شود. وجوه محتمل دیگری نیز ممکن است در توجیه این

۱. ترجمه‌ی تعابیری که در زیارت آن حضرت به چشم می‌خورد: بحارالانوار،

ج ۱۰۰، ص ۱۹۸ - ۲۰۱.

۲. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۷۲.

هم درجه بودن، وجود داشته باشد که به فهم این جهانی ما نیاید.
به هر روی، آنچه ملاک برتری و والایی درجات می باشد معرفت
به خدا و رسول و عترت ایشان است.^۱ هرچه این معرفت عمیق تر باشد،
درجات انسان اوج بیشتری خواهد گرفت.

درود فرستادن بر حضرت صدّیقه علیها السلام می تواند زمینه ساز اعطای
رتبه ی بالایی از معرفت، به انسان باشد به گونه ای که بتواند هم نشین
رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم گردد. متن صلواتی^۲ که بر حضرت صدّیقه ی کبر علیها السلام
و ریحانه ی نبوی نقل شده است را از نظر می گذرانیم. به امید آنکه با
تقدیم این درود چنین نصیب عظیمی را بهره ی ما نیز قرار دهند و
ملاقات با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم را عطا یمان فرمایند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ نَبِيِّكَ وَ
أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِنْ ظَلَمِهَا وَ
اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا
جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ الْكَرِيمَةِ عِنْدَ
الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً
تُكْرَمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ تُقَرَّرُ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أُبْلَغُهُمْ

۱. چنانکه فرموده اند: أَفْضَلُكُمْ أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً بِرَبِّكُمْ شَمَا، برترینتان از جهت
معرفت است. (بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۴۰).

۲. توجه شود که متن صلوات بر حضرت صدّیقه علیها السلام که از امام حسن
عسکری علیه السلام نقل شده اختصاص به زائر ایشان از نزدیک ندارد و ثواب وعده داده شده
برای درود بر آن حضرت نیز ویژه ی زوار قبر آن حضرت نیست. می توان با درود
فرستادن بر ایشان از فاصله ی دور نیز به چنین ثوابی دست یافت.

عَنْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ^۱

خدایا! بر صدیقه‌ی پاک نهاد - فاطمه‌ی زهراء - درود فرست به محبوبه‌ی رسول و مادر محبوب‌هایت و برگزیدگانت. اویی که برگزیدی و برتری‌اش دادی و بر همه‌ی زنان عالمیان ترجیحش دادی. خداوندا تو برای او از کسانی که بدو ظلم کردند و حقش را ناچیز شمردند [خونش را] طلب نمای! خدایا! برای او خونخواه خون فرزندان‌ش باش. خداوندا! و همانگونه که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب پرچم [اسلام] و بزرگداشتی شده در ملاء اعلیٰ قرار دادی، پس بر او درود فرست و بر مادرش خدیجه‌ی کبریٰ درود فرست؛ درودی که به آن روی پیامبر اکرم را اکرام کنی و چشمان فرزندان او را روشن نمایی. و در همین لحظه از جانب من به آنان برترین تحیت و درود را ابلاغ فرمای.

به دامن لطف و تفضّل الهی دست توّسل می‌زنیم. ملتمسانه از بارگاه باری می‌خواهیم که طالب خون آن صدیقه‌ی شهیده را زودتر برساند. می‌خواهیم که به دست فرزند بی‌مانند فاطمه علیها السلام، تقاص خون آن بزرگوار را از ظالمان شقی بستاند. تمنا می‌کنیم چشمان اشکبار و زخمی ذریّه‌ی آن مرضیه را به خنکای نسیم انتقام، التیام بخشد.

در یکی از زیارت‌های شریف آن شهیده دعای جالب و زیبایی به چشم می‌خورد. این دعا پس از نماز زیارت آن حضرت نقل گردیده و حاوی درخواست فرج اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان است:

اللَّهُمَّ إِنِّي... أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ

۱. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۷۴، به نقل از جمال الاسبوع.

الْعَظِيمَ فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ
الْعُظْمَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ
مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَ مُحِبِّهِمْ وَعَنِّي وَتُفَتِّحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ
لِدُعَائِي وَ تَرْفَعَهُ فِي عَلَيِّينَ وَ تَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَاعْطَاءِ أَمَلِي وَ سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.^۱

خدایا از تو می خواهم به حق کتابهایی که بر انبیاء و رسولان
- که درودت بر آنها باد - نازلشان کردی؛ از تورات و انجیل و زبور
گرفته تا قرآن عظیم چرا که اسم اعظم تو در آنهاست و به حق
اسمهای بزرگ تو که در آنهاست. [می خواهم] که بر پیامبر اکرم و
خاندان ایشان علیهم السلام درود فرستی و فرج خاندان پیامبر اکرم و
شیعیان و محبان آنان و من را برسانی و درهای آسمان را به
روی دعایم بگشایی و آن را به علیین برسانی و در امروز و این
لحظه به گره گشایی از کار من اجازه دهی و به برآوردن آرزویم و
خواسته ام در دنیا و آخرت رخصت فرمایی.

فرج امام عصر علیه السلام باعث گشایش کار اهل بیت، شیعیان و محبان
ایشان و بلکه همه ی عالم است. اساساً گره گشایی کلی از گرفتاری های
هر مؤمنی جز به ظهور پر سرور آن حضرت تحقق پیدا نمی کند. منتظر
هوشیار به نیکی این نکته را دریافته است. به همین خاطر انتظار
دم به دم خود را با دعا به امید گشایش، گره می زند و در همان لحظه و
همان روز در کنار قبر بی نشان بانوی دو سرا، ظهور مولایش را از
خداوند می طلبد.



دو نکته درباره‌ی نقشه‌ی داخلی مرقد مطهر رسول خدا و خانه‌ی
امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام:

مرقد مطهر رسول مکرم اسلام، در خانه‌ی جنوبی (بیت رسول اکرم
و حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام) قرار دارد. این خانه در مصادر روایی
از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، با نام «بیتی» (خانه‌ی من) شناخته می‌شود.^۱
سیدالشهداء علیه السلام از این بیت با عنوان «بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» یاد
کرده‌اند.^۲

علمای بزرگوار شیعه با استدلال‌های قویم، انتساب این خانه به افراد
دیگر را رد کرده‌اند.^۳

مرقد مطهر صدیقه‌ی طاهره علیها السلام - بنابر قول مشهور علمای شیعه -
در خانه‌ی شمالی (بیت امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه‌ی طاهره علیها السلام)
قرار دارد. این خانه‌ی والامقام، در روایات با عناوین «بیت فاطمه»^۴،
«بیت علی و فاطمه»^۵ و «بیت علی»^۶ شناخته شده است.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۴.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. به عنوان نمونه: الطرائف، ج ۱، ص ۲۸۷ - ۲۹۰؛ کشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۹؛
احقاق الحق، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۲.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۵.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۶.